

یادداشت

رادیو فرهنگ در بن بست

نیما شاکری

رادیو فرهنگ از حیث فرهنگی بودنش نه تنها در بن بست نیست که دایرهٔ معارفی است شنیداری و عظیم، شبیه بزرگراهی که از دل خیابان و کوچه‌های دوزده و پرازدحام سیاست و روزمرگی می‌گذرد؛ اما رادیو فرهنگ از حیث «رادیویی» بودنش به نظر می‌رسد در بن بست باشد.

در سالی که گذشت، این رادیو بیش از هفتاد برنامهٔ دنباله‌دار را با موضوعات متنوعی که در رادیوهای دیگر و طبیعتاً در تلویزیون جایگاهی ندارند، ارائه کرده؛ از تخصصی‌ترین و نوین‌ترین مباحث فکری مثل برنامه «مجله فکر» گرفته تا جذاب‌ترین و رادیویی‌ترین مباحث مثل برنامه «نیستان» که به موسیقی این مرز و بوم می‌پردازد. طیف مدیانی که در دوره اخیر، سکان این رادیو را به دست گرفته‌اند، سواى شمار اندکشان که قامت فرهنگی‌شان برازنده جایگاه‌شان نیست، نتوانسته‌اند دو تحول عمده را در این دایرهٔالمعارف شنیداری ایجاد کنند. نخست اتنوع بخشی* به موضوعات و برنامه‌های رادیو فرهنگ؛ هم چنان‌که اکنون علاقه‌مندان رشته‌های فرهنگی و هنری می‌توانند سهم خود را در این رادیو جست‌وجو کنند و بیابند. و دیگر گذشتن از خط قرمزهایی که قوزم بودن‌شان در همه این سال‌ها، توهمی بیش نبوده است.

فعالیت یکی دو سال اخیر رادیو فرهنگ نشان داده که تعامل و دوستی با اربابان فرهنگ هنر، فارغ از مرزبندی‌های بیرونی و در کمترین اندازه از رواداری تبعیض مبتنی بر نگرش‌های سیاسی، نه تنها خلیلی از امنیت و سلامت اجتماع و فرهنگ اجتماع وارد نکرده است که حتی طیفی گسترده از اهالی فرهنگ و هنر را سر ذوق نیز آورده است؛ کسانى که به خاطر اقتدارگرایی و نگرش‌های سیاسی خاص حاکم بر مجموعه صدا و سیما، همواره میل به قهر و دروغ‌رانی داشته‌اند و اکنون به مرور دریافته‌اند که دست‌کم در رادیو فرهنگ این محدودیت‌ها و مطلق‌نگری‌ها در کمترین اندازه سال‌های اخیر است.

اگر نام بردن از برجسته‌ترین شاعران معاصر در مجموعه صدا و سیما به تابویی ناشکستی تبدیل شده، یک روز از روزهای رادیو فرهنگ با بزرگداشت زارذور «فروغ فرخزاد» در برنامه «تقویم فرهنگی» آغاز می‌شود و در میانه روز به بزرگداشت «فصلله مردانی» می‌رسد. نمی‌توان چشم پوشید از اقدام این رادیو که چندی است توانسته رئیس کل رادیو را هم همراه خود کند تا یار دیگر پس از ۳۰سال، دوباره مجموعه برنامه «ادبیات امروز» را بشنویم که «مهدی اخوان ثالث» آن را اواخر دهه چهل برای رادیو آبادان تهیه می‌کرد و خود گویندگی‌اش را نیز به عهده داشت. و چه شیرین است وقتی می‌شنویم مجموعه برنامه گران‌سنگ «انجری شیرازی» را هم قرار است از دل آرشيو خاک گرفته رادیو بیرون بکشند و دوباره به گوش‌ها برسانند. در لحظاتی عظمایی که تلویزیون از آن رنج می‌برد، شنیدن برنامه‌های طولانی و پیوسته درباره هنرمندانی چون آتشى، بنان، رهی معیری، ابوالحسن صبا و . . . شیرین است و دلپذیر. در برهه‌ی که مجموعه صدا و سیما در آن گرفتار است، بازخوانی شبانه برجسته‌ترین رمان‌های خارجی، گفت‌وگو با داستان‌نویسان جوان ایرانی، اطلاع‌رسانی مشروح آخرین خبرها از تئاتر، سینما و موسیقی و . . . بازخوانی تاریخ موسیقی ملی و تحلیل و بررسی انواع موسیقی محلی، مقامی، سنتی، شنیدن هر روز یک نمایشنامه غالباً برگرفته از آثار نویسندگان خارجی و . . . همه و همه ما را به این داوری می‌رساند که رادیو فرهنگ از حیث فرهنگی بودنش در بن بست نیست و نعمت بودنش را باید قدر دانست و ارج نهاد، اما آنچه مرور شد، نیمه پر لیوان است و شایسته هم نیست که بخش خالی آن از دیدنه پنهان بماند. رادیو فرهنگ در بخش عده‌ای از برنامه‌های خود از ضعف ساختار نسبت به استانداردهای نوین رادیویی رنج می‌برد. شمار قابل توجهی از برنامه‌های این رادیو ترکیب بسیار ساده و کهنه‌ای اتن مد غیررادیویی با موضوعی تخصصی که گویندگی‌ای بی حس و حال آن را می‌خواند (اجرامی کند) و نهایتاً چند دقیقه‌ای سخن کارشناس برنامه که غالباً همان نویسنده برنامه است و بخشی از متن خود را برای شنوندگان می‌خواند؛ همین. در این برنامه‌ها غالباً هیچ تلاش تکنیکی و یا محتوایی برای برقراری رابطه با مخاطب و تاترنگذاری بر او صرف نمی‌شود و نتیجه کار، غور شنوندگان از این برنامه‌ها است که هیچ رغبتی برای گوش دادن به آن در خود نمی‌یابند. به عنوان مثال برنامه‌هایی چون تشنه و دریا، قانون، روایت دریا، در گذر نوجوانی، شکوه ایران، هنر معاصر، تمدن در گذر زمان، وقایع انضافیه، شرق‌شناسی و چندین برنامه دیگر این رادیو از همین الگوی بسیار کهنه بی‌خاصیت پیروی می‌کنند و هیچ حاصل مشخصی هم در پی ندارند. هم کناری این برنامه‌ها در کنار برنامه‌های مؤثر و جذاب این رادیو به خاطر چیست؟

این تناقض متأسفانه ریشه در دستمزدهای دارد که سال‌ها است رادیو فرهنگ از آن رنج شدید می‌برد. به‌رغم دگرگونی‌های چشمگیری که در مسائل مالی تلویزیون و حتی رادیوهای دیگر پدید آمد، نویسندگان، سردبیران و تهیه‌کنندگان رادیو فرهنگ هنوز همان دستمزدهای اندکی را می‌گیرند که هشت سال پیش می‌گرفته‌اند. رئیس کل رادیو گویا در جایی اعلام کرده بود که توانسته بودجه رادیو را طی سال‌های اخیر چهار برابر کند، ولی انگار نصیب برنامه‌سازان رادیو فرهنگ از این افزایش چیزی نزدیک به صفر است! تداوم این وضعیت دو آسیب جدی به کیفیت برنامه‌های رادیو فرهنگ رسانده است. نخست کمترین‌شدن انگیزه فرهنگی که تا سال‌ها پیش کار در رادیو فرهنگ را افتخار خویش می‌دانستند ولی به مرور که با بی‌مهری‌های مالی این رادیو روبه‌و شدند، به ضرورت دشواری‌های زندگی در پایتخت، کوله‌بار خویش بستند و رفتند. از باقی ماندگان نیز معدودی که هم چنان با عشق و سوز پایدار مانده‌اند، کم‌اند کسانى که می‌توانند با برآوردهایی چون اندک و گاه تحقیرآمیز، هم چنان برنامه‌هایی بسازند استاندارد، جذاب و تاثیرگذار. (به عنوان مثال از یک سردبیر رادیو فرهنگ بی‌رسید دستمزد کارشناس در این رادیو چقدر است؟) آسیب دوم و اساسی اینجاست که شمار بیشتر ناگزیرند به رعایت این دستمزدهای ناچیز، پایین‌ترین کیفیت قابل قبول را مدنظر قرار دهند و برنامه‌هایی را بسازند که حتی خود نیز از آن ناراضی‌اند! رادیو فرهنگ برای آن که بتواند از این بن‌بست درآید، باید که بتواند هم برنامه‌سازان نخه و متخصص نگران خود را حفظ کند و هم دیگرانی چون ایشان را به این فضا بکشاند تا همیه برنامه‌های رادیو فرهنگ به مرور به استاندارد روز رادیویی نزدیک شوند و بر شمار شنوندگان اندک این رادیو افزوده شود و این ممکن نیست مگر به تقویت مالی این شبکه و توجه خاص به سقف دستمزدهای مشاغلی چون نویسندگان، سردبیران و تهیه‌کنندگان. بر شدن به‌خیالی این لیوان، رادیو فرهنگ را قطعاً در جایگاه شایسته خویش خواهد نشاند.

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

شبیه منتشر می شود

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

رادیو فرهنگ

روزی روزگاری امپراتوری رادیو

مریخی‌ها حمله می‌کنند

مهاضوی



یافته‌ای از حمله مریخی‌ها که داستان را روایت می‌کند صرف مهیب یکی از آن بمب‌ها در آسمان نیویورک بلند شده را نشانی می‌زند: «شنوندگان رادیو در وحشت، نیویورک تایمز، ۳۱) اگرچه کانون این وحشت و اضطراب در نیویورک و نیوجرسی بود اما همه مردم آمریکا به آن واکنش نشان دادند:

در پیتسبورگ مردی در میانه برنامه به خانه‌شان رسید و

همسرش را دید که در حالی‌که بطری سم را در دست گرفته فریاد می‌زند: «ترجیح می‌دهم این طوری بمیرم نه به دست آن مریخی‌ها .»

در بروارد دانشجویهای کالج برای دسترسی به تلفن وحشیانه هدیدگر را زیر دست و پا له کردند و در عرض نیم ساعت همه به سمت تلفن‌ها هجوم بردند تا از

خانواده‌هایشان بخواهند به سراغ آنها بروند و نجاتشان دهند. ولز بود. کنج این اقتباس را برای ارسون ولز و گروه بازیگرانش در تئاتر مرکزی انجام داده بود. اوسرن ولز و همکارش جان‌هاسمن رمان علمی تخیلی ولز را در اختیار هوارد کنخ نمایشنامه‌نویس قرار دادند و از او خواستند این رمان را به صورت مجموعه گزارش‌های خبری بازنویسی کنند تا در برنامه یکشنبه هفته بعد از آن استفاده کند. کنخ آقندر روی این رمان کار کرد تا بالاخره توانست با تمهیدات و توصیف‌های زیبا و زنده و استفاده از نام مکان‌های واقعی داستانی بنویسد که طبع مشکل پسند ولز را راضی کند.

اوسرن ولز بیست و سه ساله در یکی از روزهای اکتبر سال ۱۹۳۸ متن بازنویسی شده کنخ را خواند و پسندید و بدین ترتیب نمایش رادیویی با گزارش‌هایی درباره فرودآمدن یک شیء بسیار بزرگ شعله‌ور و زبر مزه‌رعد در میلز در نیوجرسی آغاز می‌شود. کمی بعد موجوداتی عجیب و غریب و وحشتناک مانند مارهای خاکستری شاخک‌دار با بدنی به بزرگی خرس و پوستی مانند چرم مرطوب براق و چشم‌هایی سیاه و سوسوزن و لب‌هایی لرزان و افتاده و براق‌هایی که از آنها می‌گذرد در درون این شیء بسیار بزرگ شعله‌ور می‌آیند و اشمه‌های جنگ دنیاها پیش از آنچه‌که

برنامه‌های پیشنهادی برای تعطیلات مدنظر داشته هیچ اهمیت دیگری ندارد. (کنخ)، نسخه رادیویی خاص تئاتر مرکزی پیچیدن ملافه‌ای به دور خود و بیرون پریدن از پشت یونهای و گفتن هوی است! (کنترل ۴۲،) مردم آقندر تحت تاثیر توصیف‌های قبلی ولز از مریخی‌ها قرار گرفته بودند که دیگر این اعلام‌ها و نیز پایان موفقیت‌آمیز ماجرا که کشتن مریخی‌ها به دست باتکری‌های زمینی بود را شنیدند.

وقتی معلوم شد این گزارش‌های خبری صرفاً نمایشی تخیلی بود و حمله مریخی‌ها واقعیت نداشته، همه به سوی ولز هجوم بردند و او را به خاطر فریب دادن و ترساندن آنها در حد مرگ سرزنش کردند. میلیون‌ها دلار هزینه صرف شکایت از ولز، سی‌بی‌اس و تئاتر مرکزی شد اما هیچکدام به جایی نرسید. از طرف دیگر مردم از ترس اینکه مبادا اعتراض‌های آنها بهانه‌ای برای اعمال سانسور رسانه‌ای توسط مقامات دولتی شود از تنبیه یا هرگونه اقدام جدی علیه ولز صرف‌نظر کردند و موسسه رسانه‌ای کلیبیا هم قول داد دیگر هیچ خبر یا گزارش دروغینی را در فضایی چنین واقعی و طبیعی که مردم تاحد مرگ ترسانده بود تهیه و پخش نکند. (مروری بر متن نمایشنامه جنگ دنیاها، نیویورک تایمز، ۲۶)

ولز و دوستانش با استناد به اینکه قبل و در طول برنامه آشکارا اعلام کرده بودند این داستان خیالی است تیره شدند و دادگاه آنها را مسئول سوءتفاهم پیش آمده ندانست. اما بعضی معتقدند که برخلاف اینکه ولز بعدها اعلام کرد فکر نمی‌کرده مردم این گزارش‌های خبری دروغین را جدی بگیرند، تمام تلاخش را برای آفریدن دنبای کاملاً واقعی و رسیدن به واقع ایده آلی‌آش انجام داده است. ولز آقندر با توصیف‌های لحظه به لحظه‌اش از حمله مریخی‌ها مردم را تحت تاثیر قرار داد که در نیویورک ساکنان یک بلوک در حالی‌که بری محافظت از گازهای سمی صورت خود را با حوله خیس پوشانده بودند هراسان و بعضی حتی با لباس زیر به خیابان ریختند. مخالفان ولز می‌گفتند در میان این توصیف‌های زنده و آن شور و حال ولز به عنوان نجات

شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۸۵

ایستگاه شخصی

جای لرستان خالی

سام فرزانه

حالا همه برنامه‌های رادیو در روز بعد از زلزله یک طرف، آن برنامه‌ای که طرف با لهجه ترکی سعی داشت، ملت را بخنداند یک طرف.
ظهر همان روز از رادیو جوان که روی موج افام ردیف ۱/ ۸۸٫۰۸۰هرگزتر پخش می‌شود شروع کردم، به گرفتن ایستگاه‌های رادیو سراسری، رادیو تهران، رادیو ورزش، رادیو پیام و رادیو فرهنگ و دوباره برگشتم به رادیو جوان، هیچ کدام درباره زلزله چیزی نمی‌گفتند. یک چیزی در همه برنامه‌ها مشخص بود و آن اینکه برنامه‌ها از قبل ضبط شده بودند. رسانه‌ای مانند رادیو این ویژگی را دارد که می‌تواند به‌زودی واکنش نشان دهد و یک رویداد را دنبال کند. روزنامه و سایر رسانه‌های چاپی این ویژگی را ندارند. مخصوصاً زمانی که در تعطیلات هستند، اما رادیو و تلویزیون این امکان را داشتند که به‌زودی در برابر رویدادها واکنش نشان دهند. دوستی تعریف می‌کرد که یکی از بستگانشان در بروجرذ بعد از زلزله بامداد روز جمعه یازدهم فروردین از ترس ریختن آوار به اتومبیلشان پناه بردند و رادیو را روشن کردند تا بفهمند قضیه از چه قرار بوده است. تاهشت صبح هیچ خبری از زلزله در رادیو نبود. دوست دیگری هم که در هتلی در میان کوه‌ها بود، پس لرزه‌ها از خواب بیدارش کرده بود و پای شبکه اول تلویزیون خوابش برده بود و خبری از زلزله نشنیده بود. برنامه‌ها از قبل ضبط شده بودند و احتمالاً تهیه‌کننده پخش تنها مراقب بود که نوارها پشت سر هم پخش شوند. قاعدتاً تهیه‌کننده پخش باید حواسش به این مسائل هم باشد، که نیست یا نمی‌تواند باشد.

بخش‌های خبر هم که از اول سال معلوم است رأس چه ساعت‌هایی پخش می‌شوند و احتمالاً چیزی به نام «اخبار فورى» اصلاً جایگاهی در سازمان صداوسیما ندارد. در جریان زلزله و اموری از این دست داشتن رسانه‌هایی که جدیدترین خبرها را به اطلاع مردم برسانند، مورد نیاز هستند. اما تا چه حد رسانه‌های ما، مخصوصاً رادیو سراسری چنین نقشی را به عهده می‌گیرد؟ از طرف دیگر این تعداد برنامه از پیش ضبط شده‌های رادیو خطرناک است. این را از آن جهت می‌گویم که رادیو، تلویزیون با برنامه‌های زنده خود هستند که جذاب می‌شوند. برنامه‌های زنده‌ای که از پیش برای آنها فکر شده و آماده اجرای آن هستند. رادیو ورزش، رادیو پیام و تهران رادیو به خاطر برنامه‌های زنده‌ای که دارند شنیدنی هستند. اما در روزهای تعطیلی سال‌نو بسیاری از شبکه‌های رادیویی برنامه‌های بیشتر ضبط شده پخش می‌کردند.

افتخاری با دو تراه در رادیو

علیرضا افتخاری دو تراه را هم‌زمان با سال حضرت محمد(ص)- پیامبر اکرم- برای رادیو و تلویزیون می‌خواند. هم‌زمان با اثر موسیقی دیگر نیز در مرکز سرود و موسیقی صداوسیما تولید شده که سه اثر از آن ساختار مرکز صدای، سنتی و پاپ برخوردارند. روابط عمومی مرکز موسیقی و روابط مردم اعلام کرد: با نامگذاری سال ۸۵ به نام سال پیامبر اعظم (ص) از سوی مقام معظم رهبری سه اثر موسیقایی بر اثر اشعاری از اسماعیل امینی، عبدالجبار کاکایی و معبد بیابانکی در اداره کل تولید این مرکز تولید شده است. اثر «حضرت محمد(ص)» به انگشسازی و تنظیم مهرداد دلنوازی به خوانندگی علیرضا افتخاری با ساختار ارکستر ملی، «لیبختد صبح» به تنظیم محمدرضا عقیلی به خوانندگی حمید غلامعلی با ساختار پاپ تولید شد. «ارائه شیوه‌های نر برای برنامه‌سازی»، «لحاظ کردن موضوعات جدید» و «پشتوانه تحقیقاتی» پیشنهادهایی است که تعدادی از برنامه‌سازان رادیو برای بهبود کیفیت برنامه‌های صدا در سال جدید به آن اشاره کرده‌اند.

پیشنهاد رادیویی برای سال جدید

سعید توکل تهیه‌کننده برنامه «جمعه ایرانی» شبکه سراسری با بیان